

مادر با سَبَدِ دَر باران آمد.

او در سَبَدِ ، نان با آنار دارد.

او در آن سَبَدِ ، توت ندارد.

من مادرم را دوست دارم.

نا - ز - نو

دندان - دامن - تنور - نام - دانا - ندارم -

آسان - نبود - داستان - آبان - بوستان